

بررسی مکتب سیاسی - امنیتی شهید عماد مغنیه

علی آذری^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

شهید عماد مغنیه به «مرد سایه» در مقاومت اسلامی شهرت داشت و بسیاری او را مغز متفکر حزب الله قلمداد می‌کردند. عماد مغنیه دوره‌ای گام به مبارزه گذاشت که گروه‌های مبارز در سراسر خاورمیانه گرایش‌های غیردینی (چپ) داشتند و نامی از اسلام در این عرصه نبود. تجاوز و حشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان و خروج ذلیلانه مبارزان فلسطینی، عرصه را برای احیای اندیشه و عمل جهاد اسلامی فراهم کرد و بزرگ‌مردانی همچون عماد مغنیه با بهره‌گیری از الگوی انقلاب اسلامی، توانستند در کنار پیروزی‌های بزرگ و پی در پی در برابر استکبار جهانی و صهیونیست‌های اشغالگر، الگویی از مبارزه، جهاد و فعالیت‌های سیاسی و اطلاعاتی را به امت اسلامی و جهانیان عرضه کنند. چنین الگویی لریزه بر استکبار جهانی و مزدوران منطقه‌ای آنان انداخته است و در هر عرصه‌ای وارد شده، ریشه تجاوزگری، فتنه و فساد را خشکانده است. مقاله حاضر به بررسی مکتب سیاسی و امنیتی عماد مغنیه به عنوان الگو می‌پردازد و زندگی جهادی او را مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

مغنیه، مکتب، سیاسی، امنیتی، جهادی

مقدمه

در روزهایی که رئیس‌جمهور آمریکا اولین قبله‌گاه مسلمانان، شهر «بیت المقدس»، را به عنوان پایتخت رژیم جعلی اسرائیل اعلام کرده است، سران مرتجع کشورهای عربی ذیلانته در برابر این تصمیم خطرناک سر تسلیم فرود آورده‌اند و نوک پیکان سرنیزه‌هایشان به جای استکبار جهانی و صهیونیسم جنایتکار، به سوی ملت‌های مظلوم یمن، بحرین، عراق و سوریه نشانه رفته است. آنچه در این روزهای غم‌بار خودنمایی می‌کند خلأ وجود بزرگ‌مردی است که مدت بیست سال خواب و خیال راحت را از اندیشه سازمان‌های جاسوسی دنیا و سران رژیم جعلی صهیونیستی ربوده بود. مردی که حتی برای یک روز و یک لحظه، دست از مبارزه با رژیم جعلی اسرائیل برنداشت و آرمان بلند و بالای آزادی فلسطین را فراموش و رها نکرد. شهید عماد مغنیه معروف به «حاج رضوان» که بیشترین تعداد عملیات‌ها علیه رژیم صهیونیستی را در جهان به نام خود ثبت کرده است، اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را از ذهن‌های امت اسلامی پاک کرد. عقب‌نشینی ذیلانته رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ و شکست در نبرد ۳۳ روزه با گروه کوچک حزب‌الله، گوشه‌ای از توفیقات الهی این سردار مقاومت است.

در این روزهای پر درد و اندوه که بمب‌های آمریکایی و انگلیسی با هواپیماهای سعودی بر سر ملت یمنی فرو می‌ریزد که شعار نابودی رژیم صهیونیستی و آزادی قدس شریف را سر می‌دهد، نگاهی به مکتب سیاسی-امنیتی شهید بزرگوار «عماد مغنیه» می‌اندازیم. این مکتب برآمده از آموزه‌های انسان‌ساز اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و ثمره پیروی از ولایت مطلقه فقیه است.

سیره سیاسی عماد مغنیه

۱. ولایت‌مداری

عماد مغنیه در ژوئیه ۱۹۶۲ در شهر صور دیده به جهان گشود. پدر و مادر و دو برادرش، جهاد و فؤاد که بعدها به شهادت رسیدند، پس از مدتی از صور به ضاحیه جنوبی بیروت نقل مکان کردند. در این منطقه شهید مغنیه دوره تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را گذراند و پس از آن در جوانی به دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) وارد شد (الشرقاوی، ۱۳۸۶: ۸۳). پدر او آیت‌الله شیخ جواد مغنیه، و عموی او، محمدجواد مغنیه، از علمای مشهور شیعه



لبنان هستند. مادر عماد مغنیه زنی دلسوز بود که در حوزه فعالیت‌های اسلامی به ویژه بانوان، شخصی فعال به شمار می‌آمد.

ویژگی بارز عماد مغنیه ایمان و باورهای دینی اوست. در روزگار نوجوانی و جوانی عماد مغنیه، جریان غالب فکری و سیاسی جهان اسلام، گرایش‌های سیاسی چپ و کمونیستی بود همچون مارکسیست، مائوئیست و ناسیونالیست. در این میان، تنها جریان مذهبی اسلامی، اخوان المسلمین بود که مغضوب دولت‌های عربی بود و البته در عرصه مبارزه هم حرفی برای گفتن نداشت. الگوی این گروهک‌ها مبارزانی چون ارنست چه گوارا از آمریکای لاتین و هوشی مینه از ویتنام بودند و الگو و اسطوره‌های اسلامی نداشتند. حتی جنبش آمل که زیر نظر امام موسی صدر راه‌اندازی شد، جز در نام، ظاهر و گرایش دینی نداشت.

ویژگی جنبش حزب الله که شهید عماد مغنیه و همراه روحانیونی مانند سیدعباس موسوی و شهید شیخ راغب حرب، بنیان‌گذاری کردند، علاوه بر باورهای دینی، ولایت‌مداری بود. عماد مغنیه پیش از آنکه وارد جنبش‌های سیاسی و نظامی شود، به پی‌ریزی باورهای خویش پرداخت و پیش از شیفته شخصیت‌های کاریزماتیکي همچون ابوعمار - یاسر عرفات - شدن، جذب دین و علمای دین شد. وی از دوره نوجوانی در محفل درس علامه سید محمد فضل‌الله، روحانی مبارز لبنانی، وارد شد. وی در همین دوران برای یادگیری آموزش به جنبش فتح پیوست، اما این پیوستن به معنای عضویت در این جنبش یا تأثیرپذیری از آن نبود. تفاوت دیدگاه عماد مغنیه با جنبش فتح که از ابتدا گرایش‌های چپ داشت و پس از دو دهه رویکرد سازشکارانه با رژیم اشغالگر قدس را پیش گرفت، آشکار بود. آنچه حاج رضوان را بر آن داشت به جنبش فتح رو آورد، بهره‌گیری از تجربه نظامی و اطلاعاتی این جنبش و شخصیت‌هایی مانند ابوجهاد بود تا از این تجربه و مهارت در نبرد با رژیم صهیونیستی بهره ببرد. از این رو به گفته انیس نقاش، این شهید بزرگوار «پیش علامه فضل‌الله دروس مذهبی می‌آموخت، اما مسائل نظامی و انقلابی را از ما یاد گرفته بود». عماد نوجوان پیش از آنکه شیفته شخصیت کاریزماتیک ابوعمار باشد، شیفته شخصیت و منش مبارز بزرگ، شهید مصطفی چمران بود که آن روزها آمریکا را با همه زرق و برق‌هایش رها کرده و برای مبارزه با رژیم جعلی اسرائیل به لبنان آمده بود. به گفته ام عماد، مادر بزرگوار شهید مغنیه: «پسر من همه چیز را از استاد خود شهید چمران آموخت».



او را «مرد سایه» هم می‌نامیدند، نه بدان علت که سایه‌نشین و سایه‌دوست بود، بلکه سایه حضور قدرتمند و مؤثر او در همه جای سرزمین مقاومت حس می‌شد. او نه تنها قلبی شجاع و روحی بلند داشت، بلکه دارای اندیشه‌ای قوی و طراح بود که وی را به مغز متفکر مقاومت لبنان طی چند دهه تبدیل کرده بود (الشرق‌آوی، ۱۳۸۶: ۸۲).

دل‌بستگی دینی و ولایت‌مداری عماد جوان سبب شد تا به جای حفاظت از جان شخصیت‌های بی‌ریشه‌ای همچون ابوعمار، تیم حفاظت آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله را در برابر تهدیدهای مزدوران رژیم بعثی عراق تشکیل دهد. این دل‌بستگی از همان آغاز اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن نام امام خمینی-قدس سره- ذهن کنجکاو او را به سوی امام کشاند و تا پایان زندگی علاقه‌مند شخصیت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی کرد. این شیفتگی تا آن اندازه بود که عماد مغنیه برای استفاده بی‌واسطه از بیانیه‌ها و سخنان امام خمینی، در کمتر از شش ماه زبان فارسی را همچون زبان مادری اش آموخت و عکس و پوسترهای امام خمینی را در لبنان منتشر کرد. سرانجام این ولایت‌مداری، عماد مغنیه جوان را به ایران اسلامی کشاند، به گونه‌ای که هنگام تجاوز وحشیانه رژیم اشغالگر قدس به لبنان در سال ۱۹۸۲ حاج عماد در ایران بود. در همین سفرها موفق به دیدار امام خمینی (ره) شد. عماد مغنیه در میدان جنگ به شدت متعصب و سخت‌گیر بود، ولی راهنمای تمام‌عیاری بود که به‌خوبی می‌دانست چگونه باید طرح‌های جنگی را اجرا کند (الشرق‌آوی، ۱۳۸۶: ۸۴). او به روحیه همراهانش ایمان داشت. با آنکه در رأس هرم فرماندهی بود، به رهبری گروهی باور داشت و توانسته بود اطمینان افسرانی را که در جنوب کار می‌کردند به دست آورد و هر دستوری که می‌داد فوراً اجرا می‌شد (الشرق‌آوی، ۱۳۸۶: ۸۴).

ارادت حاج رضوان به امام خمینی (ره) آن اندازه بود که در سفر حج، تصاویر امام خمینی (ره) را که پشت آن چسب وجود داشت، به پشت پلیس‌های سعودی می‌چسباند و آنها در حالی که عکس امام خمینی (ره) روی لباس‌شان بود میان مردم می‌چرخیدند و متوجه نمی‌شدند چه کسی عکس را روی لباس آنها چسبانده است. میزان و دلیل علاقه عماد مغنیه به امام خمینی (ره) از زبان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این‌گونه بیان شده است: «همین شهدای برجسته دنیای اسلام، همین شهید عزیزی که چند روز قبل به وسیله صهیونیست‌ها به شهادت رسید، اینها افتخار می‌کردند که بچه‌های امام‌اند؛ خودشان را فرزند امام خمینی (ره)



می دانستند. این شهید حاج عمادخودش را فرزند امام می دانست؛ یعنی واقعاً اگر با یک جوان خودمان مقایسه کنیم، او معتقد نبود که این جوان ایرانی به امام از او نزدیک تر است. او هم خودش را به قدر یک جوان ایرانی فرزند امام و نزدیک به امام می دانست؛ چرا؟ چون امام به او روح داده بود؛ امام او را زنده کرده بود. این جور جوانها همیشه در لبنان و در فلسطین و در غزه و در همه جا بودند، اما این جور کارهای بزرگ از اینها سر نمی زد. کی فکر می کرد جوانهای لبنانی با سلاحهای معمولی بتوانند ارتشی را که ادعا می کند یکی از بزرگترین ارتشهای دنیاست، آنجور با افتضاح عقب بزنند!^۱

پس از ارتحال امام خمینی (ره)، این تبعیت از ولایت، با پیروی از حضرت آیت الله خامنه‌ای، ادامه یافت و عماد مغنیه زندگی و مبارزات خود را براساس گفته‌ها و رهنمودهای امام خامنه‌ای تنظیم می کرد. از دیدگاه حاج رضوان «در مقابل ولایت همه چیز و همه کس هیچ‌اند» زیرا پیروی از ولایت فقیه، هدف و سیره وی در زندگی و مبارزه بود. خروج ذلیلانه چریک‌های فلسطینی از لبنان پس از تجاوز صهیونیست‌ها، فرصت را برای حاج رضوان فراهم آورد تا زیر نظر سید محمد فضل الله، رهبر معنوی، و با همراهی علمایی همچون شیخ راغب حرب، جنبش دینی ضد رژیم صهیونیستی را پایه‌ریزی کند که با طرد رویکردهای مادی‌گرایانه، اندیشه‌های چپ و احساسات ملی‌گرایانه، اسلام را شعار و محور مبارزه خود قرار داده بود و برای جلوگیری از هر گونه التقاط، انحراف و سازشکاری، پیروی از ولایت فقیه را سرلوحه مبارزه و حرکت‌های اجتماعی-سیاسی کرده بود. پیروی از ولایت فقیه سبب شد تا حاج رضوان در طول ۲۵ سال حضور در جنبش حزب الله، اطاعت‌پذیری و در سال‌های آخر، همراهی و همفکری با رهبری جنبش حزب الله را دستور کار خود قرار دهد، به گونه‌ای که روابط حاج عماد با سید حسن نصرالله این گونه توصیف شده است: «آن دو یک روح در دو پیکر بودند. با هم دوست و رفیق شفیق بودند.»^۲

۲. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی یکی از ویژگی‌های مهم شهید عماد مغنیه بود. از چهارده سالگی که وارد عرصه آموزش نظامی شد تا هنگام شهادت، در شناخت دشمن ملت اسلامی و رویارویی با آن

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3421>
2. <http://www.payam-aftab.com/fa/doc/article/2054/>



اشتباه و تردید نکرد. وی از همان ابتدا همچون امام خمینی (ره)، اسرائیل را «غده سرطانی» می‌دانست و نابودی این رژیم آرمان و آرزویش بود؛ از این روزندگی خود را وقف مبارزه با دشمن صهیونیستی کرد؛ آن هم در زمانه‌ای که دیگران سلاح مبارزه را زمین گذاشته و در پی بهانه‌های واهی برای دلجویی و سازش بودند یا به جای دشمن اصلی- رژیم صهیونیستی- به بهانه‌های واهی، دشمن‌سازی و به کشوری مسلمان لشکرکشی می‌کردند. عراق به ایران و کویت تجاوز کرد و عربستان سعودی یمن و بحرین را هدف قرار داد و در این تجاوزها، میلیاردها دلار از سرمایه‌های جهان اسلام هدر رفت. البته عماد مغنیه در این مبارزه نیز به جای افتادن به روزمرگی و ضربه‌های جزئی و ناکارآمد، به راهبردهای بلندمدت و عملیاتی شدن این راهبردها می‌اندیشید. به گفته رمضان عبدالله: «او جزو شخصیت‌هایی بود که آرمان‌ها را به اندیشه‌های عملی و برنامه و راهبرد تبدیل می‌کرد». وی در راه مبارزه با اسرائیل تا آنجا پیش رفت که بیش از هر فلسطینی در رژیم صهیونیستی و برای صهیونیست‌های اشغالگر شناخته شده بود و از شنیدن نامش هراس بر بدن همه صهیونیست‌ها، نه تنها در سرزمین‌های اشغالی، بلکه در هر گوشه دنیا می‌افتاد و برای شهادت وی، میلیون‌ها دلار جایزه تعیین کردند. حاج رضوان تا آنجا پیش رفت که مایه امید فلسطینیان مبارز و دربند بود و به جای گروه‌های به اصطلاح مبارز و سازشکار فلسطینی، لبخند را بر لبان مادران شهیدان فلسطین می‌نشاند. حاج رضوان برای دستیابی به این آرمان بلند و والای امام خمینی (ره)، راهبردهای گوناگونی داشت. یکی از این راهبردها در رویاروی با دشمن قسم خورده‌اش این بود که دشمن را آرام و آسوده خاطر نسازد: «باید يك شیوه و اسلوبی پیدا کنم که اسرائیلی‌ها توقع و انتظار آن را نداشته باشند» (رضوی، ۱۳۸۶: ۹۰).

در زمانی که تانک‌ها و نفربرهای زرهی صهیونیست‌ها تا بیروت آمده بودند و فلسطینیان مبارز زیر چتر حمایتی و ذلیلانه نیروهای سازمان ملل، خاک لبنان را به سوی سرزمین‌های دور ترک می‌کردند، یکباره نام عماد مغنیه با دو عملیات غرورآفرین بر سر زبان‌ها افتاد: عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در مقر فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی در شهر صور و عملیات انهدام دو تانک اسرائیلی در منطقه الخلد. اشغالگران صهیونیستی که با اخراج گروه‌های فلسطینی و سکوت کشورهای عربی، خود را در لبنان ماندگار می‌دیدند، مجبور شدند پس از گذشت هیجده سال، در برابر بهت و حیرت جهانیان، بدون گرفتن هیچ امتیازی در سال ۲۰۰۰



لبنان را برای همیشه ترک کنند؛ در حالی که تا کنون رژیم‌های عربی، با دادن امتیازهای فراوان، نتوانسته‌اند یک وجب خاک خود را با عزت پس بگیرند. عماد مغنیه در شب فرار اشغالگران از لبنان و در جلسه شورای رهبری حزب الله بر این باور بود که سربازان رژیم صهیونیستی را تا نوار مرزی تعقیب کنند و اجازه ندهند اشغالگران با خاطر آسوده و بدون اضطراب، کشورشان را ترک کنند. هر چند جنوب لبنان آزاد شد، ولی حاج رضوان دشمن صهیونیستی را خوب می‌شناخت. صهیونیست‌ها دشمنی نیستند که تحمل ذلت داشته باشند و آرام بگیرند؛ به ویژه آنکه گروه زیادی از مسلمانان در بند بیدادگاه‌های رژیم صهیونیستی بودند و می‌بایست در کنار آماده بودن برای رویارویی بعدی، تمهیدی برای آزادی اسرای دربند اندیشید. راهکار حاج رضوان، از یک سو به اسارت گرفتن نظامیان صهیونیست، به منظور به سرانجام رساندن وضعیت اسرای دربند رژیم صهیونیستی بود و از سوی دیگر، کسب آمادگی و مهارت برای رویارویی بزرگ با دشمن صهیونیستی. در فاصله شش ساله خروج صهیونیست‌ها از جنوب لبنان تا نبرد ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶، حزب الله در پرتو فرماندهی و درایت حاج عماد به توانی دست یافت که نه تنها رژیم صهیونیستی، بلکه جهانیان را به حیرت واداشت. این پیروزی بزرگ، در پرتو دشمن‌شناسی دقیق حاج عماد صورت گرفت، به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی در نبرد ۳۳ روزه با بهره‌گیری از حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، تجهیزات پیشرفته و نیروهای زُنده، حتی نتوانست در یک وجب از خاک لبنان بماند و افتخاری برای خود کسب کند (دوستی، ۱۳۹۱).

راهبرد دیگر حاج رضوان، عبور از مبارزه با رژیم صهیونیستی و مبارزه با شیطان بزرگ، آمریکای جهان‌خوار بود. حاج رضوان این مبارزه را از زمان حضور نیروهای آمریکایی در لبنان آغاز کرده بود. ثمره این مبارزه، خروج ذلت‌بار نیروهای آمریکایی و غربی از لبنان بود که به بهانه و در واقع پشتوانه تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان آمده بودند. عماد مغنیه بار دیگر، هم‌زمان با اشغال عراق توسط سربازان آمریکایی به فرمان جورج بوش پسر، اولین گروه مقاومت را تشکیل داد و خیلی زود آمریکایی‌ها را در باتلاق عراق گرفتار کرد و آنان را واداشت تا همچون رژیم صهیونیستی، با سرافکنده‌گی از عراق خارج شوند. از سوی دیگر، به‌رغم سازشکاری برخی گروه‌های مبارز فلسطینی، دست یاری به مبارزان فلسطین رساند و گروه حماس در نوار غزه را به چنان توانمندی رساند که توانستند ماشین جنگی رژیم صهیونیستی را در نبرد ۲۲ روزه نوار غزه به زانو درآورند.

کاستن از ارزش وجودی رژیم جعلی اسرائیل که هر ساله به بهانه‌های واهی، میلیاردها دلار از پول مالیات‌دهندگان کشورهای غربی را در گرداب خود می‌بلعید، راهبرد دیگر حاج رضوان بود. هنگامی که از ارزش نگهداری رژیم جعلی اسرائیل برای غرب کاسته می‌شد، این کاهش اعتبار سبب می‌شد تا کشورهای غربی تحت فشار افکار عمومی، دست از حمایت مادی و معنوی از این رژیم بردارند: «اسرائیلی که دیرزمانی به ویژه پس از جنگ ۱۹۶۷ تهدیدی برای کل منطقه بود و وزیر جنگش می‌گفت همه پایتخت‌های عربی زیر آتش ماست، اکنون پس از جنگ ۳۳ روزه نشان داد که سلاح‌های متعارف، از حمایت از رژیم صهیونیستی ناتوان هستند و دیگر این رژیم خطری برای ما نیست، بلکه این ما هستیم که به لحاظ برخورداری از سلاح‌های متعارف، دست برتر را داریم و همین باعث می‌شود که رژیم صهیونیستی از چشم راهبردهای غرب بیفتد و نتواند وظایف خود را در قبال غرب انجام دهد و این همان چیزی است که باید از آن به سود خود بهره ببریم.» نتیجه این راهبرد، نابودی خود به خود رژیم صهیونیستی با کمترین هزینه و توان است. «نظریه او این بود که رژیم صهیونیستی وقتی که از ایفای نقشی که آمریکا و غرب از آن توقع دارند ناتوان باشد، خود به خود ساقط خواهد شد» (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۹: ۲۳).

رویارویی با استکبار جهانی و رژیم جعلی اسرائیل و حفظ وحدت جهان اسلام راهبرد دیگر حاج رضوان بود. او در کشور طایفه‌ها و مذاهب گوناگون به دنیا آمده و بزرگ شده بود. راهبرد رژیم صهیونیستی رودرو قرار دادن گروه‌ها و طوایف نژادی و دینی در برابر هم و استفاده از فرصت درگیری‌ها بود. این اختلاف‌افکنی تا آنجا پیش رفته بود که حتی جوامع شیعه، اهل سنت، مسیحیت و فلسطینیان آواره دچار چنددستگی شده بودند و شیعه با شیعه، فلسطینی با فلسطینی و لبنانی با لبنانی درگیر جنگ بود و دشمن اصلی را فراموش کرده و به او مجال داده بودند تا دروازه‌های بیروت پیش آید. اما حاج عماد با آنکه انسانی به شدت پای‌بند دین و باورهای مکتب تشیع بود، ولی در عمل، انسانی فرامذهب بود که همه مرزها و چارچوب‌های سنی و شیعه را پشت سر گذاشته بود و از همه سنی‌تر و از همه هم شیعی‌تر بود و همه این گرایش‌ها را هم زیر چتر وحدت انجام می‌داد. وی معتقد بود که همه در مبارزه با دشمن در یک سنگر قرار داریم و به حق او توانایی شگرفی در شکستن مرزهای مذهبی و طایفه‌ای داشت.^۱ در پرتو این راهبرد، بین حزب‌الله و حماس ارتباطی تنگاتنگ شکل گرفت

1. <http://nedaalquds.com/persian/?p=34>



و برای اولین بار و با هم‌پیمانی دو جنبش مبارز- یکی شیعه و دیگری اهل سنت- رژیم جعلی اسرائیل در محاصره گزانبوری قرار گرفت؛ در حالی که کشورهای عربی در زمان نبردهای چندگانه خود با رژیم صهیونیستی نتوانستند هیچ بهره‌ای از این راهبرد ببرند یا عرصه را بر رژیم صهیونیستی تنگ سازند (خواجه، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

عماد مغنیه همه جا بود و هیچ جا نبود. مثل ماهی بود که به دست نمی‌آمد. هر جا که می‌خواست حضور پیدا می‌کرد بی‌آنکه کسی پی به حضورش ببرد یا او را بشناسد. تأثیر ضربات او بر پیکره صهیونیسم جهانی در سخنان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پیداست که اعلام کرد: «جهان (آمریکا و هم‌پیمانانش) پس از مغنیه روزهای آرام‌تری خواهند داشت» (حدیث خوبان، ۱۳۹۱: ۵۹).

۳. آرمان فلسطین

شهید عماد مغنیه از چهارده سالگی با پیوستن به صفوف جنبش فتح، وارد مسیر مقاومت فلسطین شد و تا شهادت بر این آرمان پای‌بند بود. وی در طول سی سال مبارزه نه به بیراهه جنگ‌های داخلی کشیده شد، نه به سراب سازش دلخوش کرد و نه صلح را بهانه‌ای برای دور ماندن از جنگ داخلی لبنان کرد. او قضیه محوری عرب یعنی فلسطین را پیش چشم خود قرار داد. آرزوی آزادی بیت‌المقدس بود و این شهر قلب و روحش محسوب می‌شد. به گفته انیس نقاش، از همان ابتدا، آرمانش مبارزه با صهیونیست‌ها بود: «ما یک گروه از بچه‌های مؤمن هستیم، به من آموزش نظامی بدهید، من می‌خواهم با صهیونیست‌ها بجنگم» (کوردزمن، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

حاج رضوان آموزش نظامی و اطلاعاتی را در دل گروهی فلسطینی یاد گرفت که در گذر زمان دچار دگردیسی شد. جنبش فتح ابتدا از لبنان عقب نشست؛ آنگاه در پرتو حمایت‌های فریبنده و اندک کشورهای عربی، در کنفرانس مادرید و سازش اسلو شرکت کرد؛ سپس با عقب‌نشینی از آرمان فلسطین، به محدوده کرانه باختری، آن هم با قبول شهرک‌های صهیونیستی بسنده کرد. این عقب‌نشینی‌ها تا آنجا پیش رفت که گروه فتح- جنبش آزادی‌بخش فلسطین- که تنها نامی از آن باقی مانده بود، به عامل اختلاف‌افکنی و درگیری بین مبارزان اسلامی تبدیل شد و به جای نبرد با صهیونیست‌ها، هم‌زمان با کنفرانس سازشکارانه مادرید،



با نیروهای لبنانی و حزب الله برای جلوگیری از سلطه حزب الله بر اقلیم التفاح، درگیر شد و هر جا توان درگیری با نیروهای حزب الله را نداشت، به عامل اطلاعاتی صهیونیست‌ها تبدیل می‌شد. در حالی که در همین زمان، و در گفت‌وگوهای فتح و حزب الله، حاج رضوان همچنان بر آرمان فلسطین اصرار داشت و فلسطینیان را متوجه این آرمان فراموش شده می‌کرد: «از شما می‌خواهم همه تلاش و کارتان را بر این گونه عملیات‌ها متمرکز کنید و ما را به حال خود بگذارید. هدف شماها قدس است و هدف ما هم همین است» (انبار، ۱۳۸۸: ۳۵۷).

میزان پای‌بندی حاج رضوان به آرمان فلسطین و رهایی قدس، به اندازه‌ای بود که رمضان عبدالله از آن شگفت‌زده می‌شد: «من با حاج عماد مغنیه بعد از به دست گرفتن دبیرکلی جنبش جهاد اسلامی فلسطین، یعنی بعد از شهادت دکتر فتحی شقاقی آشنا شدم، و طی ده سال اخیر این رابطه گسترده‌تر شد ... و در او بهترین یار و برترین برادر و وفادارترین دوست برای مقاومت فلسطین دیدم ... بلکه زندگی او به طور کلی وقف مقاومت بود ... او هیچ‌گاه در حمایت از مقاومت فلسطین تردید نمی‌کرد و همه تجارب مبارزاتی به خصوص تجارب عملی خود را در اختیار ما قرار می‌داد» (کر می، ۱۳۸۶: ۷۳).

عماد مغنیه بسیار بیشتر از برخی فلسطینیان فلسطینی بود؛ او خمیرمایه و کانون مبارزه با رژیم صهیونیستی بود. در حالی که سال‌ها مبارزات فلسطینی‌ها بر نوار مرزی لبنان متمرکز شده بود و پس از خروج از لبنان، دیگر امیدی برای رودرویی مستقیم نداشتند، حاج رضوان برای اولین بار پس از سال‌ها رکود، این مبارزه را از نوار مرزی لبنان فراتر برد و به درون سرزمین‌های اشغالی و قدس کشاند. راهبرد حاج رضوان برای کشاندن این مبارزه به درون سرزمین‌های اشغالی، عملیات شهادت‌طلبانه بود. این تجربه و راهبرد در تاریخ مبارزه با رژیم صهیونیستی ابتدا از لبنان آغاز شد و در ادامه به فلسطین انتقال یافت و سبب افزایش کارایی مقاومت شد. الگوی حاج رضوان سبب شد تا مبارزان فلسطینی از گروه‌های سازشکاری همچون فتح عبور کنند و جنبش‌های جدیدی براساس الگوی حزب الله شکل دهند و بار دیگر مقاومت و مبارزه را به درون سرزمین‌های اشغالی ببرند. در واقع الگوی مبارزاتی جنبش مقاومت فلسطین در درون سرزمین‌های اشغالی، الگوی مبارزه حزب الله و حاج عماد بود. این الگو هیچ وابستگی به خارج و کشورهای عربی نداشت و هیچ عامل بیرونی نمی‌توانست در آن خلل وارد سازد. پیوستگی حاج عماد و جنبش مقاومت فلسطین به گونه‌ای بود که از



اولین روزهای آغاز انتفاضه دوم، عماد مغنیه همه تلاش خود را می‌کرد که از مقاومت حمایت کند و ابزارهای جدیدی را در اختیار آنها قرار دهد. این نگرانی به خصوص در روند ساخت سلاح و رسیدن آن به نوار غزه بسیار بیشتر بود؛ زیرا جنبش حماس در نوار غزه محدود بود و هیچ کشور عربی به آن کمک و مشاوره نظامی نمی‌رساند، جز جنبش حزب الله و مغز متفکر نظامی آن، حاج رضوان. از این رو حاج عماد مغنیه یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های نگرانی برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد و خواب خوش را از سران و فرماندهان نظامی و اطلاعاتی این رژیم ربوده بود. در هر جای جهان که رژیم صهیونیستی نفوذ داشت، حاج رضوان هم همان جا حاضر و آماده بود تا به منافع این رژیم جعلی ضربه کاری بزند (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۷: ۵۲).

سیره امنیتی عماد مغنیه

۱. هوش اطلاعاتی

از امام رضا(ع) روایت شده است که «فَاتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج: ۱، ۱۳۱): «از زیرکی مؤمن بپرهیزید که به نور خدا، نگاه می‌کند». شهید عماد مغنیه نمونه‌ای از مؤمنانی بود که زیرکی و فراست مؤمنان در سیره و رفتارش دیده می‌شد. این شهید بزرگوار از چهارده سالگی نه به اجبار شرایط یا خانواده یا محیط و نیاز مالی، بلکه آگاهانه پا در مبارزه گذاشت. طرف مبارزه نیز رژیم تا دندان مسلح اشغالگر قدس، شیطان بزرگ- آمریکا- کشورهای غربی و مرتجعان عربی منطقه بودند. او مردی بی‌نظیر بود که بیست سازمان زده جاسوسی به مدت بیست سال همه جا به دنبالش بودند و لحظه‌ای از تعقیب و تلاش برای کشتن وی دست برنداشتند. حاج رضوان با عمل به آیه شریفه «خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء/۷۱) توانست در مراقبت و عنایت الهی، به مدت بیست سال عَلم مبارزه با رژیم اشغالگر قدس را در خاورمیانه برپا نگه دارد. توفیق حاج رضوان در نظام اطلاعاتی‌اش به گونه‌ای بود که در طول سال‌های متمادی، هر جا که می‌خواست حضور پیدا می‌کرد، و هر کاری که می‌خواست می‌کرد و هر کس را می‌خواست می‌دید، بدون آنکه کسی پی به حضورش ببرد یا او را بشناسد. وی حتی توانست در طول جنگ مکالمات دشمن را شنود کند، اما آنها نتوانستند. او در اسراییلی‌ها نفوذ کرد اما آرزوی کوچک‌ترین اطلاعاتی از داخل



حزب الله بر دل آنها ماند. او طی سال‌های پیش از نبرد ۳۳ روزه - ۲۰۰۶ - به‌رغم محاصره و رصد شدید ماهواره‌ای و مخابراتی خط مقاومت از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آنها، توانست انبارهای حزب الله را پر از موشک کند و هنوز هم کسی نمی‌داند چگونه این کار انجام شد! توفیق اطلاعاتی حاج رضوان تا آنجا بود که توانست افرادی از داخل فلسطین اشغالی را به خدمت بگیرد، در حالی که نقطه ضعف عمده گروه‌های فلسطینی، نفوذ سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی در میان آنها بود. حمله موشکی حزب الله به قلب قطار شهری تل‌آویو، دومین شهر صنعتی و سومین شهر توریستی رژیم صهیونیستی، و نیز حمله موشکی حزب الله به پادگان نظامی صفا واقع در استان جلیل شمالی که مهم‌ترین پادگان نیروی هوایی رژیم صهیونیستی است، نمونه‌های بارزی از این رخنه اطلاعاتی-امنیتی بود.

حاج رضوان با شناختی که از دشمن و موقعیت خویش داشت، راهبردهای مشخصی برای نظام اطلاعاتی خود داشت. یکی از این راهبردها، آموزش‌های دقیق بود. وی مهارت‌ها و تخصص‌های امنیتی را از علی حسن دیب، معروف به ابوحسن سلامه (که بعدها جزء فرماندهان مقاومت اسلامی شد و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۹ او را ترور کرد) تعلیم دید (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

راهبرد دیگر مغنیه بهره‌گیری از عنصر زبان بود. وی علاوه بر زبان عربی که زبان مادری‌اش بود، زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی را می‌دانست. به دلیل علاقه به انقلاب ایران و ارتباط با نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فارسی را مانند زبان مادری‌اش صحبت می‌کرد. این سلطه بر چهار زبان، او را قادر می‌ساخت تا در ارتباط‌گیری در عرصه منطقه و بین‌الملل مشکلی نداشته باشد و همیشه از اطلاعات دست اول برخوردار باشد. علاوه بر آن، وی را قادر می‌ساخت تا در موقعیت‌های گوناگون اطلاعاتی، نظامی و امنیتی در قالب مترجم ظاهر شود و هم از دیدگاه‌های طرف‌های مقابل اطلاع یابد و هم دیدگاه خود را به آنان تحمیل کند: «گاهی در برخی جلسات مترجم بودن را بهانه‌ای برای حضورش و مطلع شدن از نظرات طرفین می‌کرد و آن‌قدر خوب از عهده این کار برمی‌آمد که هیچ‌کس شک نمی‌کرد که او مترجم نیست» (میرباقری، ۱۳۸۲: ۸۸).

یکی دیگر از راهبردهای وی، حضور نیافتن در مجامع عمومی بود. البته وی در جلسات امنیتی و نظامی شرکت داشت، اما اینکه او چه کسی بود، چه نامی یا چه موقعیتی داشت، مشخص نبود: حاج عماد، یا حاج رضوان یا ساحر یا هر اسم و نشانی دیگر.



وی برای جان سالم به در بردن از موقعیت‌ها، تلاش و دقت بسیاری می‌کرد تا نشانی تصویری از خود به جا نگذارد آن هم در عصر ارتباطات و دوربین‌های مدار بسته. وی چنان در به کارگیری این راهبرد توفیق داشت که ماحصل تلاش بیست سازمان جاسوسی از بیست سال عملیات جاسوسی، تنها عکسی از دوره بیست سالگی حاج رضوان بود. وی حتی در جلسات دوستانه، یا جلسات رسمی و مورد اطمینان امنیتی در ایران نیز اجازه نمی‌داد عکس یا نشان تصویری از وی بجا ماند. هنگام عکس گرفتن‌های یادگاری، به بهانه‌ای خودش دوربین به دست می‌گرفت و نقش عکاس و تصویربردار را بازی می‌کرد تا در قاب تصویر قرار نگیرد. دقت وی در حفظ اطلاعات و اسناد شخصی تا آن اندازه بود که مادرش هم عکسی از دوران کودکی او ندارد: «هیچ عکسی از پسرش (حتی از کودکی او) ندارد، زیرا «عماد» همه عکس‌ها را با خود برده بود.»

آنچه وی را در این راهبردها موفق کرده بود، در کنار عنایت و فراست الهی، نداشتن روحیه دنیاگرایی بود. به اعتراف سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی، نقطه قوت حاج رضوان این بود که هیچ نقطه ضعفی با ریشه‌های مادی و دنیایی نداشت مانند علاقه به زن، پول‌پرستی، شهرت‌طلبی، مقام و جاه‌طلبی، مشروبات الکلی و مواد مخدر. جالب اینکه سازمان موساد توانسته بود با همین ابزارهای مادی، به همه ارتش‌های عربی منطقه و گروه‌های مقاومت فلسطینی نفوذ کند و از درون به آنها آسیب بزند؛ اما حاج رضوان و سازمان رزم او در حزب‌الله با اتکا به نیروی ایمان و پشت پا زدن به دنیای فریبنده، خود را از گزند این آسیب‌ها و خلأهای اطلاعاتی در امان نگه داشته بودند.

۲. اشراف اطلاعاتی

اشراف اطلاعاتی حزب‌الله مزیت بسیار مهم دیگری است که به واسطه تلاش بی‌وقفه این شهید بزرگوار حاصل شده است. حاج عماد جزئیات و مشخصات انواع سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای دشمن را خوب می‌شناخت. امتیازات و ویژگی‌های تانک مرکاوا را تشریح و از این طریق راهی برای نابودی آن پیدا می‌کرد. او می‌گفت سپر این تانک به قدری ضخیم است که موشک آرپی جی هفت جوابگوی آن نیست و برای از کار انداختن این نوع تانک باید موشک‌های کورنیت ساخت روسیه را تهیه کرد. مشخصات جنگنده‌های رژیم صهیونیستی را



نیز خوب می‌شناخت و راه مقابله با آن را نیز یافته بود. کوچک‌ترین تحرکات و وضعیت نظامی دشمن را رصد و برای احتمالات مختلف طرح‌ریزی می‌کرد. این اشراف اطلاعاتی موجب شد که حزب‌الله غافلگیر نشود و برعکس رژیم صهیونیستی را در وحشتی مستدام از عملیات انتقام نگه دارد تا جرأت حمله نظامی مجدد به لبنان را نداشته باشد (سعد، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

۳. ابتکار عمل اطلاعاتی

وظیفه واحدهای اطلاعاتی یافتن راهی برای عبور از بن‌بست‌هاست. با توجه به پیچیدگی محیط امنیتی در لبنان و منازعات سیاسی و فرقه‌ای، حاج عماد معتقد بود «هیچ چیز غیر ممکن نیست» و جوانان پرشور و انقلابی را به تلاش بیشتر دعوت می‌کرد. حزب‌الله دائم با ابتکار عمل‌ها و طرح‌های پیش‌دستانه دست برتر خود را در این محیط نظامی، امنیتی و سیاسی حفظ می‌کرد. بخش مهمی از این ابتکار عمل‌ها مرهون ذهن خلاق و ایده‌پرداز شهید بود که حاصل آن توانمندسازی مقاومت اسلامی لبنان در برابر یکی از ارتش‌های بزرگ منطقه طی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بود (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۷: ۴۴).

۴. گمنامی اطلاعاتی

پرهیز از خودنمایی و حضور در رسانه‌ها ویژگی ممتاز دیگر این شهید بود که موجب تداوم خدماتش به جبهه مقاومت شد. تمایل نداشتن برای قرار گرفتن در برابر دوربین عکاسان و رسانه‌ها موجب ناکامی توطئه‌های سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی برای ترور این مجاهد نستوه در طول حیات پربرکتش شده بود. اگرچه در برخی موارد، سوءقصدهایی مستقیم به شخص حاج عماد شد، اما او با هوشیاری و زیرکی همیشگی اش جان سالم به در می‌برد. تلاش‌های ناکام موساد برای شناسایی محل کار و زندگی عماد مغنیه و ناتوانی در جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های او به معنایی پیچیده تبدیل شده بود؛ در واقع موفقیت‌های پی در پی حزب‌الله در عملیات نظامی خود ضعف بیش از پیش موساد را در حل این معما آشکار می‌ساخت. به اعتراف یک جاسوس سابق سیا «اقدامات آمریکا برای تعقیب عماد مغنیه هیچ روزی متوقف نشده بود». از میان هزاران رزمنده مقاومت نیز تعداد کمی او را می‌شناختند یا نامش را شنیده بودند. چه بسا هویت او نیز برای بسیاری از



فرماندهان ستاد مقاومت که به طور مستقیم با او همکاری داشتند روشن نبود. شهید حاج عماد به خانواده و بستگان نزدیکش نیز آموزش داده بود که هویت خود و نسبت‌شان با او را پنهان سازند و به دقت همه مقررات امنیتی را برای حفظ اسرار حزب‌الله رعایت کنند. به راستی می‌توان او را سرباز گمنام امام زمان (عج) نامید.

۵. اندیشه راهبردی

اندیشه‌ها و نظریه‌های راهبردی شهید حاج عماد به نحوی بود که مسیر مقاومت را به مسیر اتحاد همه گروه‌های مختلف لبنانی و فلسطینی پیوند می‌زد و آنان را شیفته سلوک و سبک فرماندهی خود می‌کرد. مهارت، شایستگی و اندیشه راهبردی عماد مغنیه برای پایان دادن به جنگ و برادرکشی میان نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین و جنبش امل در جنوب شهر صیدا با قرار دادن نیروهای حزب‌الله میان آنان از بروز فاجعه بزرگ در این منطقه جلوگیری کرد. در نمونه‌ای دیگر در سال ۲۰۰۰ با فرار نظامیان صهیونیست از جنوب لبنان و تسلیم شدن مزدوران، حاج عماد شخصاً با حضور در کنار رزمندگان مقاومت، مسئولیت حمایت از جان و مال مسیحیان ساکن مناطق در آستانه آزادی را برعهده گرفت و از هرگونه حرکت‌های انتقام‌جویانه یا بروز بی‌نظمی قاطعانه جلوگیری کرد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اطلاعیه‌ای برقراری آرامش در مناطق آزادشده جنوب را افتخارآمیز نامید. در واقع تلاش یک رزمنده مؤمن صرفاً برای تقویت خود به هر شیوه‌ای نیست. گاهی باید در مسیر، دیگران را نیز با خود همراه کرد یا هزینه‌هایی را که بی‌جهت موجب تضعیف جبهه مقاومت و اسلام می‌شود، کاهش داد و این الگویی است که شهید برای نسل‌های آینده خود به یادگار گذاشته است.

۶. خستگی‌ناپذیری در اطلاعات

رمز موفقیت در اطلاعات، خستگی‌ناپذیری است. فراز و نشیب‌ها در روند مقاومت به علت گستردگی فعالیت‌ها و شدت فشارها موجب خستگی و فرسایش نیروها و حتی فرماندهان می‌شود. فرمانده موفق کسی است که بتواند با ابتکارات و روحیه‌ای فوق‌العاده، به نیروها انرژی دهد و آنها را از روزمرگی و غفلت‌هایی که در نتیجه خستگی ممکن است پدید



آید، خارج کند. شهید حاج عماد از سال ۱۹۸۳ که سلسله عملیات‌هایی را علیه سربازان اشغالگر آمریکا، فرانسه و رژیم صهیونیستی هدایت کرد، در فهرست افراد تحت تعقیب سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی قرار گرفت. ریگان، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در سخنرانی خود هنگام ورود پیکرهای سربازان مقتول آمریکایی به واشنگتن به مردم کشورش قول داد که دولت آمریکا اگر صد سال هم بگذرد، عماد مغنیه را تعقیب کند و به مجازات برساند. اما حاج عماد که آن زمان ۲۳ سال داشت، طی سال‌ها به نحوی عمل کرد که روز به روز قدرت اطلاعاتی حزب‌الله گسترش یافت و تا روز شهادتش تحت شدیدترین فعالیت‌های اطلاعاتی نیز کسی نتوانست ردی از او به دست آورد. اینجاست که زنده ماندن وی در همه این سال‌ها با وجود بسیج جاسوسان خبره و زبده سرویس‌های اطلاعاتی غربی، عبری و عربی، شبیه یک معجزه است.

۷. طراحی راهبردی در اطلاعات

مهم‌ترین مزیت واحدهای اطلاعاتی در جنبش‌ها و نهضت‌ها، طراحی راهبردی است. شهید حاج عماد در زمینه ارائه طرح‌های راهبردی برای مبارزه با اشغالگران صهیونیست، از شجاعت و مهارت کم‌نظیری برخوردار بود. راهبرد اصلی حزب‌الله در مقطع شکل‌گیری آن، اخراج صهیونیست‌ها از لبنان بود که در سال ۱۹۸۲ به جنوب این کشور حمله و تا بیروت پیشروی کرده بودند. در آن زمان احزاب و نیروهای ملی و اسلامی به منظور دفاع از خود در برابر متجاوزان و نجات کشور، عملیات مقاومت مسلحانه را ضد اشغالگران آغاز کرده بودند. یک ماه از آغاز این عملیات‌ها نگذشته بود که رژیم صهیونیستی تا منطقه خلد در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت عقب‌نشینی کردند. در آغاز پیکار با رژیم صهیونیستی به شیوه‌های چریکی بود، ولی با گذشت زمان شیوه‌ها و سبک‌های جدیدی گزینش می‌شد. حاج عماد با مطالعه شیوه‌های برخی نخبگان مبارزاتی جهان و ترکیب آنها، مکتب نظامی جدیدی ابداع کرد و به وجود آورد که آن را اقدام منحصر به فرد حاج عماد می‌توان نامید. اما این تاکتیک‌ها و عملیات‌ها همه در راستای یک طرح راهبردی کلان پیاده شد و در نهایت به نتیجه رسید.



محورهای مبارزاتی شهید عماد مغنیه

عماد مبارزه با رژیم صهیونیستی را پیش از اشغال لبنان در تشکیلاتی که امام موسی صدر ایجاد کرده بود، آغاز کرد و در کنار آن با پیوستن به جنبش مقاومت فلسطین (فتح) شایستگی‌های وصف‌ناپذیری از خود بروز داد. پس از اشغال لبنان، در تشکیلات حزب‌الله، در سطوح مختلف به خصوص فرماندهی مقاومت، ایفای نقش کرد و تا پایان حیات شریف خود بر عهدی که با امام و شهدا بسته بود، پایدار ماند و در این راه به فوز عظیم شهادت که همواره آرزو می‌کرد، دست یافت.

۱. مبارزه با فالانژها و کتائب در لبنان به عنوان همدستان رژیم صهیونیستی

از اوراق زرین حیات پرافتخار شهید حاج رضوان مقابله با جریانی است که در جنگ‌های داخلی لبنان به مثابه ستون پنجم دشمن و پیاده‌نظام، نقش برنامه‌های اجرایی استکبار جهانی و صهیونیسم را برعهده داشت، و از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کرد. شیعیان لبنان نقش ویرانگر و شوم این گروه را که خود را به ناحق، نماینده مسیحیان لبنان معرفی کرده بودند، هیچ‌گاه فراموش نخواهند کرد. نقش شهید عزیز و طرح‌ها و اقداماتش در این مبارزه برای ایجاد موازنه قدرت با این گروه تبهکار و خونخوار که مورد تأیید و پشتیبانی کشورهای غربی و رژیم اشغالگر قدس بود، بی‌بدیل بود. تاریخ مبارزات و فداکاری‌های بی‌نظیر شهید عماد در این مقطع خود در حد نوشتن یک کتاب است و در زمان خود باید بدان پرداخت که چگونه امنیت غرب بیروت و مناطق مسلمان‌نشین را در آن فتنه بزرگ و جنگ داخلی ویرانگر بازگرداند. در واقع با فداکاری امثال شهید حاج رضوان، از کشتار مسلمانان به دست فالانژها جلوگیری شد.

به طور قطع و با جرأت می‌توان ادعا کرد اگر مدیریت و فرماندهی امثال شهید عماد نبود، کتائب لبنان و نیروهای مزدور فالانژ جنایتی بدتر از آنچه صرب‌ها در بوسنی بر سر مسلمانان آوردند و آنها را قتل‌عام کردند و مناطق مسلمان‌نشین را به سرزمین سوخته و ویرانه تبدیل کردند، در لبنان مرتکب می‌شدند.

۲. مبارزه با نیروهای آمریکا به عنوان حامی رژیم اشغالگر اسرائیل

پس از آنکه رژیم صهیونیستی بخش‌های زیادی از جنوب، غرب بقاع و پایتخت لبنان را در سال ۱۹۸۲ اشغال کرد، آمریکا و برخی کشورهای غربی همچون فرانسه با اعزام ناوگان دریایی و نیروهای هوای خود به لبنان در تلاش بودند به رژیم غاصب صهیونیستی در ادامه اشغال لبنان یاری برسانند و طرح‌های استعماری خود را در آن شرایط که نیروهای جنبش فتح لبنان را ترک کرده بودند و اوضاع کشور به هم ریخته بود، پیاده کنند. حمایت‌های آمریکا و فرانسه و جنایات آنها در آن مقطع بسیار حساس از تاریخ لبنان هیچ‌گاه از حافظه مردم شریف این کشور و همه مسلمانان پاک نخواهد شد. این کشورها به ناحق و با ادعای حقوق بشر و برقراری امنیت در منطقه از هیچ جنایتی فروگذار نکردند و برای تثبیت اشغالگری بهای سنگینی هم پرداختند. نقش برجسته شهید عماد در این برهه نیز بسیار هوشمندانه بود. او با کمک نیروهای مقاومت ضربات سهمگینی بر طرح‌های شوم این دو کشور (آمریکا و فرانسه) وارد کرد که نه تنها به عقب‌نشینی نیروهای تفنگدار و هوای آنها انجامید، بلکه رژیم غاصب صهیونیستی هم که با تعیین دولت دست‌نشانده در پی تأمین منافع طولانی مدت خود در لبنان بود، ناچار به عقب‌نشینی شد.

۳. مبارزه با عناصر حزب بعث در عراق در دهه ۱۹۸۰

رژیم بعث صدام هنگامی که جنگ تحمیلی را علیه ایران اسلامی آغاز کرد، با همه توان می‌خواست منافع کشورهای مرتجع منطقه را که همه سازو برگ و هزینه‌های این جنگ تحمیلی را پرداخت می‌کردند، تأمین کند. از این رو بخشی از طرح‌ها در ارتباط با شیعیان مظلوم لبنان بود، زیرا پیوند آنها با انقلاب اسلامی خوشایند رژیم عفلقی و حاکمان منطقه نبود و به هر قیمتی در مسیر سازش با رژیم صهیونیستی باید موانع برطرف می‌شد. این نقش مخرب بعث عراق باعث شد تا دیپلمات‌های آن کشور، لبنان را در راستای منافع کشورهای مرتجع منطقه به آشوب بکشند و نقش شیعیان را تضعیف کنند. در چنین شرایطی با درک ابعاد این توطئه، شهید عماد و نیروهای مقاومت برای خنثی کردن این تلاش‌های مذبحخانه، حرکت‌های انقلابی را آغاز کردند. شرایط به گونه‌ای شد که رژیم عفلقی صدام دیپلمات‌های خود را از لبنان فراخواند و برگ زرین دیگری بر صفحات مبارزاتی لبنان به دست این عزیزان رقم خورد و آنها را برای رویارویی با رژیم غاصب صهیونیستی مهیاتر و سبک‌بالاتر کرد.



۴. مبارزه فکری و عملیاتی با تکفیری‌ها در عراق

با اشغال عراق توسط آمریکا، جریان‌های تکفیری براساس نقشه راهی، درصدد برآمدند تا شیعیان عراق را قتل‌عام کنند و از شکل‌گیری دولت برآمده از رأی مردم جلوگیری و آن را ساقط کنند. زرقاوی و هم‌دستان بعثی‌اش با این استدلال که شیعیان نقش تقویتی اشغالگران را برعهده دارند و ریختن خون آنها مقدم بر مبارزه با اشغالگران عراق است، با سازماندهی نیروهای خود و بهره‌گیری از نیروهای باقی‌مانده بعثی و با پشتیبانی مالی و هدایت عربستان و برخی کشورهای منطقه، تشکیلات فرقه‌ای و جهنمی تکفیری‌ها را راه انداختند و هر روز با منفجر کردن چندین خودرو بمب‌گذاری شده در اماکن عمومی و کشتن هزاران انسان مظلوم و بی‌گناه، عراق را با تهدید بزرگی روبه‌رو کردند. این جنایات وحشیانه که هم خوشایند آمریکایی‌ها بود و هم سعودی‌ها، غم بزرگی برای شهید عماد بود و این دغدغه را داشت که آیا با این کشتار شیعیان و جولان تکفیری‌ها می‌توان دست روی دست گذاشت و کاری نکرد؟! از این رو با توجه به ارتباطات قبلی که داشت، دست به کار شد و با برگزاری نشست‌های فشرده به بررسی ابعاد مختلف این تهدید و طرح براندازانه برای ساقط کردن دولت عراق به دست تکفیری‌ها پرداخت که هم منطقه را به آشوب می‌کشید و هم براساس نقشه خباث‌آمیز غربی-عربی-عبری بود. او راه‌های کمک به حل این قضیه را برای دلسوزانی تشریح کرد تا به خنثی‌سازی این حرکت مزدورانه پردازند. خیلی زود مجاهدان عراقی یاد گرفتند که چگونه با ابعاد گسترده این طرح شوم مقابله کنند. او با کمک به سازماندهی جوانان شیعه عراقی و برنامه‌ریزی و آموزش آنان توانست نه تنها تکفیری‌ها را زمین‌گیر کند، بلکه آمریکا و انگلیس اشغالگر و دیگران نیز حساب کار خود را کردند. البته در این مسیر نقش بی‌بدیل سردار سلیمانی بسیار تعیین‌کننده و اساسی بود. اگر امروز پایان خلافت احمقانه تکفیری‌ها در عراق اعلام و همه سرمایه‌های سعودی و اماراتی و... به آتش کشیده می‌شود، بدون شک نقش شهید بزرگوار در این سرنوشت به خوبی نمایان است. نه تنها دولت و شیعیان عراق نابود نشدند، بلکه با افتخار و سربلندی این پیام را به جهانیان دادند که با بسیج مردمی و مبارزه و جهاد، هر عاملی را که آلت دست استکبار و رژیم صهیونیستی باشد، به خاک سیاه می‌نشانند و مایه سربلندی، عزت و افتخار جهان اسلام می‌شوند.



۵. مبارزه با ارتش آنتوان لحد و سعد حداد به عنوان مزدوران رژیم صهیونیستی

پس از آنکه رژیم غاصب اقدام به ایجاد کمربند امنیتی برای سرزمین‌های اشغالی در لبنان و فلسطین کرد، گمان می‌کرد رزمندگان مقاومت از دسترسی به فلسطین اشغالی باز می‌مانند و صهیونیست‌ها به راحتی در مناطق اشغالی زندگی خواهند کرد؛ چون رزمندگان مقاومت برای رسیدن به مرزهای فلسطین باید از ارتشی مزدور که عامل دست صهیونیست‌ها بود، عبور می‌کردند. این ارتش مزدور که از بدنه ارتش لبنان جدا شده بود، با کمک و حمایت‌های مستقیم اشغالگران، روزگار را بر مردم مسلمان و مسیحی مناطق اشغالی سیاه کرده بود. پادگان‌ها، پایگاه‌ها، مراکز تفتیش و ایست بازرسی و فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی گسترده از مردم، موانعی بودند که سر راه رزمندگان مقاومت قرار داشتند. هرگونه تحرکی برای جمع‌آوری اطلاعات از مرزها و مناطق اشغالی و اقدام عملی علیه عدّه و عدّه دشمن و حتی طرح‌ریزی و انجام عملیات در گام اول با رویارویی و مقابله این ارتش مزدور مواجه می‌شد که از فرزندان مردم لبنان و همان منطقه بودند.

شهید حاج رضوان همواره با تأکید بر نقش این عامل در تثبیت اشغالگری و اذیت و آزار مردم جنوب لبنان و بقاع غربی، مسئله اصلی را مبارزه با رژیم غاصب می‌دانست و در هدایت اقدامات عملیاتی از نیروها می‌خواست به این نکته توجه داشته باشند و آن را در طرح‌ریزی‌های خود مد نظر قرار دهند. با همین نگاه، اقدامات مقاومت لبنان روی صهیونیست‌ها متمرکز شد و آنها بدون غافلگیر شدن از مسئله اصلی، توانستند هم از شرّ مزدورانی چون سعد حداد و آنتوان لحد خلاص شوند و هم از زیر یوغ اشغالگران صهیونیست‌ها رهایی یابند و خود را به مرزهای فلسطین اشغالی بچسبانند و از این رهگذر مشغله و دغدغه‌ای دائمی و مستمر را برای اشغالگران رقم بزنند. ارزش این موضوع زمانی نمایان می‌شود که بدانیم اشغالگران با تصرف پایتخت لبنان و برخی سرزمین‌ها قصد داشتند شهرهای فلسطین اشغالی را از گلوله‌باران و عملیات‌های احتمالی چریکی رزمندگان مقاومت دور سازند، ولی هم اکنون فاصله بسیار اندک مقاومت از مرزها کابوسی وحشتناک را برای آنها رقم زده است.



۶. مبارزه با رژیم‌های مرتجع منطقه در مسیر یاری مظلومان مبارز این کشورها

در طول عمر بابرکت شهید، همواره جریان‌های نهضتی و انقلابی در برخی کشورهای منطقه فعال بودند و در راستای کسب آزادی مبارزه می‌کردند. عموماً عوامل مسئول مبارزه در پی استفاده از تجارب نیروهای مقاومت بوده و هستند. مقاومت لبنان نیز در طول این دهه‌ها، منبع عظیمی برای انتقال تجارب خود در مبارزه با اشغالگران در سطوح مختلف بوده و از این رهگذر در کسب پیروزی آنان سهیم بوده است؛ همان‌گونه که امروز در جنگ سوریه و پیروزی آن کشور بر تکفیری‌ها، جریان مقاومت لبنان سهم و نقشی برجسته دارد. شهید عماد و نیروهای مقاومت با احساس تکلیف در پی آن بودند تا تجارب مبارزاتی خود را صادقانه در اختیار کسانی قرار دهند که در مسیر مبارزه با دشواری‌های گوناگونی روبه‌رو بودند. به طور طبیعی این نقش‌آفرینی و کمک توانسته است از ریختن خون مظلومان بسیاری جلوگیری و با ممانعت از ظلم و ستم‌های بیشتر حاکمان، مسیر مبارزه را هموارتر کند و از ناکامی مبارزان بکاهد و آنان را توانمندتر سازد. بر همین اساس بخشی از تلاش‌های شهید عزیز مصروف این دغدغه می‌شد و برای فریادرسی به مظلومان تلاش فوق‌العاده و شبانه‌روزی می‌کرد. آنچه مسلم است باقیات الصالحاتی که در این عرصه از خود به جای گذاشت چیزی نیست که برخی کشورهای مرتجع منطقه تصور کنند با ترور آن شهید، راه ظلم و ستم برای آنان هموار شده است و خواهند توانست با خیال آسوده مبارزان را قلع و قمع و نقشه‌های شوم استکباری را عملی کنند.

شیوه‌های مبارزاتی شهید

۱. حضور بین رزمندگان فلسطینی و مقاومت لبنان در سخت‌ترین شرایط و با تحمل سختی‌ها و مرارت و مشقت‌های فراوان همراه بود.
۲. طراحی عملیات‌های پیچیده تصرف مقرهای دشمن که با مهندسی دقیق و طراحی‌های پیچیده محافظت می‌شد و تصرف و درهم شکستن آنها کاری ساده نبود.
۳. طراحی و استفاده از بمب‌های کنار جاده‌ای و انفجار از راه دور برای مقابله با نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی و وارد کردن تلفات سنگین بر دشمن.
۴. راه‌اندازی طرح‌های ابتکاری عملیات استشهادی و گرفتن تلفات زیاد از دشمن که معادلات و محاسبات بین‌المللی را به هم ریخت و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات لبنان شد.



۵. از طریق اقدامات فنی و تجهیز و تسلیح و فراهم سازی امکانات و تهیه و در اختیار گذاشتن آنها برای نیروهای مقاومت؛
۶. انتقال تجربه و تربیت کادرها و فرماندهان قوی هم از جنبه های رزمی و اطلاعاتی و هم به لحاظ روحی و معنوی در سطح لبنان و منطقه؛
۷. با جمع آوری و کسب اطلاعات از نقاط ضعف و قوت دشمن و تجزیه و تحلیل دقیق رفتار دشمن و استفاده از آن که هم باعث جلوگیری از غافلگیری نیروهای مقاومت و مبارزین می شد و هم در طرح ریزی عملیات علیه دشمن به نحو خوبی مورد استفاده قرار می گرفت.
۸. با حضور در اتاق های جنگ و هدایت صحنه و فرماندهی عملیات صحنه که بدون شک در پیروزی های مقاومت نقشی بی بدیل داشت و منجر به شکست دشمن صهیونیستی در مراحل مختلف شد.
۹. مشورت دهی به برخی فرماندهان در طرح های عملیاتی، اطلاعاتی و امنیتی: به طور پیوسته شبکه ای از جوانان جسور و انقلابی از نیروهای مقاومت با شهید بزرگوار ارتباط داشتند و طرح های خود را در عرصه های امنیتی و عملیاتی در رویارویی با دشمن با او مطرح می کردند و از نظرهای پخته و دقیق او مطلع می شدند و با مشورت ایشان به پیروزی های عمیق تری می اندیشیدند.
۱۰. تربیت کادرهای شایسته و مبارزان سخت کوش و نقش آفرین در عملیات های رزمی و امنیتی: این نقش شهید عزیز شاید از نقش ها و کارکردهای مهم این مرد الهی باشد که با صبر و حوصله تمام بر این امر همت می گماشت و با انتخاب افراد شایسته و گلچین کردن عناصر لایق و شایسته، آنان را برای مدیریت و فرماندهی در مقاومت تربیت می کرد و با آموزش و انتقال تجارب گرانمای خود و دیگران آنان را برای ایفای نقش حساس در سطوح مختلف کار مبارزاتی و مقاومت پرورش می داد و آماده سازی می کرد؛ زیرا به خوبی می دانست دشمنان محلی، منطقه ای و بین المللی دیر یا زود، او را در مسیر این مبارزه به شهادت خواهند رساند. بنابراین با درک ضرورت تأمین کادرهای آینده برای مسئولیت های سنگین مقاومت، تلاشی فوق العاده در این راستا انجام داد و خدمات بی نظیری را برای مردم منطقه به یادگار گذاشت.



نتیجه گیری

فرمانده عماد مغنیه، تحصیل کرده آکادمی های نظامی نبود، ولی ۲۵ سال مبارزه و جهاد برای آزادی کشورش و ستیز با رژیم صهیونیستی برای آزادسازی فلسطین، از او یک فرمانده نظامی حرفه ای و یک مجاهد استراتژیست مبدع و آینده نگر ساخت. بیست سال بیشتر نداشت که فرماندهی عملیات مقاومت اسلامی لبنان را علیه رژیم اشغالگر به عهده گرفت. مطالعه تجربیات دیگران در جنگ ها و اصول فرماندهی انواع جنگ ها براساس نظریات کهن و نوین، با عقل هوشیار و تحلیلگرش آمیخته شد. فرمانده عماد با مقایسه کردن تجارب فرماندهان پیروز و نظریه پردازان عرصه جنگ و دفاع در جهان و تحلیل داده های نظامی و قرائت هدفمند تاریخ جنگ ها توانست شیوه ها، تاکتیک ها و راهبردهای دفاعی، سیاسی و امنیتی مناسب و کاربردی را در مصاف با دشمنی هوشمند، مسلح به انواع سلاح ها و مستظهر به انواع حمایت های استکبار جهانی، استخراج و گزینش کند و با دادن کمترین هزینه ها و خسارت ها، پیروزی هایی برای لبنان و فلسطین به دست بیاورد. شهید مغنیه به مثابه یک استراتژیست سیاسی- امنیتی توانست پیروزی های بزرگ را نه فقط برای لبنان بلکه برای امت اسلامی که در مصاف با نظام سلطه قرار دارد، به ارمغان آورد. مکتب سیاسی- امنیتی شهید مغنیه چراغ راهی برای همه فرماندهان مقاومت خواهد بود.

منابع فارسی و عربی

- اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)، از مقاومت تا پیروزی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- الشرفاوی، یوسف (۱۳۸۶)، «مردی که آرزویش آزادی قدس بود» گفت و گو، ترجمه کریم جعفری، زمانه، اسفند.
- الامین، ابراهیم (۱۷ شباط ۲۰۱۱)، «بعض من سیره ساحر المقاومة»، الاخبار، بیروت.
- انبار، افرايم (۱۳۸۸)، امنیت ملی اسرائیل، ترجمه حمید نیکو، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- باحث للدراسات (۱۳۸۸)، تاریخ احزاب شیعی لبنان، ترجمه جواد اصغری، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- باحث للدراسات الفلسطينية و الاستراتيجیه (۲۰۱۱)، الاستراتيجیه العسکریه الاسرائیلیه ضد حماس و حزب الله، ترجمه دکتر عدنان ابو عامر، بیروت.



- بارزهر، میخائیل ونسیم مشعل (۲۰۱۱)، الموساد والعمليات الكبرى، ترجمه بدر عقيل، امان: دار الجليل للنشر والدراسات والابحاث الفلسطينية.
- بلقریز، عبدالله (۱۳۸۹)، حزب الله از آزادسازی تا بازدارندگی، ترجمه علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بیدقی قره‌بلاغ، آزیتا (۱۳۹۴)، رهبری انقلابی سیدحسین نصرالله، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- تیرا، رون (۱۳۹۰)، جنگ آینده، اسرائیل؛ تهدیدها و چالش‌های نظامی - امنیتی، ترجمه محمدرضا بلوردی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- خواجه، محمد (۱۳۸۸)، پیروزی دشوار، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب‌الله، ترجمه علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- دوستی، محمدمهدی (۱۳۹۱)، قدرت مقاومت اسلامی فلسطین در جنگ ۲۲ روزه غزه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- رضوی، سلمان و علی پاشا قاسمی (۱۳۸۷)، طعم تلخ بزرگ‌ترین شکست، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سعد، غریب (۱۳۸۸)، امل، دین و سیاست در حزب‌الله، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سوید، محمود (۱۳۷۹)، جنوب لبنان در رویارویی با اسرائیل، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی‌های استراتژیک، تهران: نشر آمن.
- قاسم، نعیم (۱۳۸۳)، حزب‌الله لبنان، خط‌مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمدمهدی شریعت‌مدار، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کردزمن، آنتونی (۱۳۸۸)، درس‌هایی از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب‌الله، ترجمه گروه مطالعات اسرائیل‌پژوهی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶)، دکترین نظامی اسرائیل، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- محمد، عبدالله (۲۰۱۸/۲/۱۳)، «من ذاکره عماد مغنیه»، المبادین.
- المركز العربی للدراسات الاستراتيجیة (۲۰۰۶)، الاحزاب والحركات والجماعات الاسلامیة، ج ۲، دمشق.
- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۸)، جنگ ۳۳ روزه، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.



- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۸)، لبنان، تاریخ، جامعه و سیاست، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.

- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۹)، پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.

- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۹)، پیروزی مقاومت، هویت و فرهنگ پیروزی، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.

- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۹۷)، صادق الوعد، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۹)، پیروزی مقاومت، پیامدهای راهبردی جنگ ۳۳ روزه، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران

- میرباقری، یزدان (۱۳۸۲)، حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

